

هر اثر و نوشته‌ای در این زمینه اصولاً بحث انگیز و جنجالی است، ولی کتاب میلانی به دلیل تأثیر بالقوه گسترده‌ای که به ویژه در میان عامه مردم و غیرمتخصصان می‌تواند داشته باشد، شایسته دقت و نقد ویژه‌ای است. معمای هویدا/ با تمام نکات درخور توجه و مثبتی که دارد در نهایت کتابی است یاس‌آور و گمراه‌کننده. زیرا میلانی در این بازسازی تاریخی از میدان دادن به پیش‌داوری‌های سیاسی خود کوتاهی نکرده است.

خواننده دقیق خلاصه‌ای از تمامی فرضیات، دغدغه‌های ذهنی و نتیجه‌گیری‌های میلانی را می‌تواند در مقدمه کتاب ملاحظه کند. نخستین نکته مهمی که در این زمینه ملاحظه می‌شود اذعان این نکته است که نوشتن زندگی‌نامه هویدا تداوم «به واسطه» پروژه زندگی‌نامه خود نوشت میلانی است: «... در جستجوی معمایی که زندگی او بود. من نیز این امکان را می‌یافتم به چندی از سرزمین‌هایی که از آن من نیز بود و در نوشته قبلی‌ام به آنها پرداخته بودم، بار دیگر سر بزخم»<sup>۵</sup> آنهایی که داستان‌های دو شهر: یک خاطرات ایرانی، زندگی‌نامه خود نوشت میلانی را خوانده‌اند، ویژگی‌های خاص آن کتاب را به یاد دارند. در آن کتاب گذشته از ارائه تصاویری چند از دوره کودکی، چگونگی شکل‌گیری فضای ذهنی و فکری نویسنده در ایام دانشجویی در برکلی کالیفرنیا از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵، به نحو بسیار گذرا و مختصری برگذار شده است. در آن سال‌ها برکلی از نقطه‌نظر فرهنگی و سیاسی یکی از سرزنده‌ترین شهرهای دنیا بود ولی از تمامی مظاهر و سرچشمه‌های این سرزندگی و شادابی فکری، عباس میلانی به یک فرقه استالینیست ضد رژیم ملحق شد که کل جهان‌بینی آن بر قرائت نیایش‌گونه آثار صدر مائو و پکنینگ ریویو استوار بود. و آن‌گاه میلانی در ادامه، تجربه خود را به کل ایرانیان مخالف آن دوره تعمیم داده و آنها را متعصبانی می‌خواند با یک محدودیت ذهنی فوق‌العاده. ولی این تعبیر و تفسیر چیزی نیست مگر مقصر دانستن دیگران به جای اذعان اشتباهات.

میلانی می‌توانست یا بخش آزاد اندیش‌تری از مخالفان را انتخاب کند و یا با انتخاب یک خط مشی فکری مستقل اصولاً اردوی مخالفان را رها کند. ولی با این حال فرقه مائوئیستی مزبور را ترک نکرد و گرفتار درگیری‌های سیاسی‌ای شد که در داستان‌های دو شهر مورد اشاره قرار گرفته، ولی به صورتی شفاف مورد بحث واقع نشده‌اند.

متاثرکننده‌ترین بخش از زندگی‌نامه خود نوشت میلانی آن دو فصلی است که وی در آنها وضعیت دشوار خود را به عنوان زندانی سیاسی رژیم سلطنتی بیان می‌کند. ولی با این حال حتی این دو فصل را نیز هاله‌ای از ابهام می‌پوشاند. وی از این می‌نویسد که چگونه بعد از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه به تدریس پرداخت و در حالی که هنوز ارتباطات خود را مائوئیست‌ها